

مدیر مکتب نرجس (س) از حضور زنان در قلب تحولات انقلاب اسلامی می گوید



زنانی که از سایه به میدان آمدند

مریم احمدی از جمله زنانی است که انقلاب اسلامی را نه تنها به عنوان یک نقطه عطف تاریخی، بلکه به عنوان فرصتی برای شکوفایی نقش زنان در جامعه اسلامی می بیند. منور سادات شایسته خو، از روزهایی می گوید که به عنوان یک نوجوان، حتی در سخت ترین شرایط، همراه خانواده اش در تظاهرات و فعالیت های انقلابی شرکت می کرد و می آموخت که زن مسلمان، نقشی فراتر از خانه داری دارد. آنچه در ادامه می خوانید شرحی است از مسیر تحول زنان از سایه به نور؛ از سکوه های سکوت به میدان های انقلاب اسلامی.

تلخ و شیرین انقلاب، از تظاهرات تا دستگیری ها

یادآوری روزهای انقلاب اسلامی برای من بیشتر به دوران کودکی و اوایل نوجوانی ام برمی گردد. زمانی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، من تنها ۱۰ سال داشتم. اما آنچه که در آن سال ها به یاد دارم، نه تنها به عنوان یک کودک که هیچان زده وارد دنیای جدیدی می شد، بلکه به عنوان کسی است که در میان تلاطمات سیاسی و اجتماعی آن روزها، خانواده ام را می دیدم که درگیر حرکت های انقلابی بودند. یاد دارم که هر روز به همراه خانواده در تظاهرات راهپیمایی ها شرکت می کردیم. حتی در روزهایی که سر بازان شاه در خیابان ها حضور داشتند و فشارهای امنیتی بیشتر می شد، همچنان به راه خود ادامه می دادیم.

مکتب نرجس (س) و تعطیلی مدرسه توسط ساواک

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، روزهای کودکی ام در مکتب نرجس (س) سپری می شد. سال ۱۳۵۴ که وارد کلاس اول ابتدایی شدم، به مدرسه ای به نام آیین روشن رفتم. این مدرسه که زیر نظر مکتب نرجس اداره می شد، جایی بود پر از محبت و یادگیری. اما پس از چند ماه، ساواک مدرسه را تعطیل کرد و مجبور شدم تحصیل در آنجا را نیمه تمام بگذارم. این اتفاق ضربه ای بزرگ بود و آرزوهایم را به یک باره متوقف کرد. با این حال، این جدایی نتوانست عشق و ارادت مرا از آن فضا بگیرد. خانواده ام همچنان در مراسم مذهبی و سخنرانی های مکتب شرکت می کردند و این فعالیت ها به بخشی از زندگی روزمره من تبدیل شده بود. هر بار که در آن جمع های معنوی حاضر می شدم، احساس می کردم که نه تنها از درس و دانش مکتب دور نشده ام، بلکه بیشتر از همیشه به آن پیوند خورده ام. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ایام جنگ تحمیلی، به خوبی یاد دارم که همراه خانواده در مراسم مذهبی و تشییع پیکرهای پاک شهدا شرکت می کردیم. خانواده ام همیشه خود را مقید به این فعالیت های معنوی می دانستند و حضور در این مراسم بخشی از زندگی روزمره من شده بود. در آن روزها، با وجود تمام سختی هایی که داشتیم، همدلی و یاری رساندن به دیگران همیشه از ویژگی های بارز خانواده ام بود و این روحیه خدمت به خلق، همچون درختی تنومند در دل های ما ریشه دوانده بود. خاطرات کودکی و نوجوانی ام که در دل انقلاب و دوران جنگ تحمیلی گذشت، هنوز در ذهنم زنده است. اگر چه در آن زمان سن و سالی نداشتم که تأثیر مستقیمی در تحولات سیاسی بگذارم اما همیشه در کنار خانواده، در راهپیمایی ها و مراسم مذهبی حضور داشتم و احساس می کردم که جزئی از این حرکت بزرگ الهی و تحول عظیم در کشورم هستم.

لحظات پر هیجان و مسئولیت های کوچک در انقلاب

از خاطراتی که هنوز هم در ذهنم زنده است، پخش اعلامیه های انقلابی توسط پدرم است. پدرم گاهی شب ها به همراه دوستانش به خانه می آمدند تا اعلامیه ها را دریافت کنند و سپس آن ها را توزیع کنند. این اعلامیه ها در زیر زمین خانه پنهان می شد و ما باید آن ها را به طور مخفیانه نگهداری می کردیم. آن لحظات پر از هیجان بود و احساس مسئولیت و مشارکت در رویدادهای بزرگ کشور را در دل من می نشاند. هرگز فراموش نمی کنم که حتی در سخت ترین شرایط، عشق به ایران و آرمان های انقلاب اسلامی باعث شد تا همه با هم پیش رویم، حتی اگر آن لحظات پر از ترس و دلهره بود. آن رویدادها، نه تنها

برای من، بلکه برای تمام مردم این سرزمین حیاتی و سرنوشت ساز بود. آن روزها، حتی با کودکی ام، حس می کردم که در میان تحولی بزرگ و تاریخی قرار گرفته ایم که تأثیر آن بر زندگی همه مان غیر قابل انکار است.

مسیر ادامه دار انقلاب در زندگی شخصی و حرفه ای

بعد از ازدواج، زندگی ام به طور جدی در مسیر انقلاب ادامه یافت. من وارد حوزه علمیه شدم و در کنار مسئولیت های خانوادگی ام، همچنان به فعالیت های سیاسی و انقلابی توجه داشتم. از همان زمان که به سن قانونی برای شرکت در انتخابات رسیدم، در تمامی انتخابات ها حضور داشتم. برای من، مشارکت در این عرصه ها نه تنها یک وظیفه، بلکه بخشی از مسیر انقلابی بود که از دوران کودکی در آن پرورش یافته بودم. در این دوران، همسرم که خود در دانشگاه رضوی مشغول تحصیل و طلبگی بود، هم زمان با فعالیت های علمی اش در برنامه های انقلابی و جبهه های سیاسی نیز فعال بود. این دوران نه تنها دوران تحولی برای کشور بود، بلکه برای ما فراخوانی برای حضور پررنگ تر در همه عرصه ها و ایفای مسئولیت های مان در برابر انقلاب و مردم بود. احساس می کردیم که به عنوان افرادی که در قلب تحولات سیاسی و اجتماعی کشور قرار داریم، مسئولیت داریم و باید نقشمان را در هر شرایطی ایفا کنیم. زمانی که باردار بودم و اولین فرزندم را در دل می پروراند، همسرم در جبهه حضور داشت. آن روزها، پادگان حمیدیه به تصرف درآمده بود و پس از آن، عملیات مرصاد علیه منافقین انجام شد. شرایط برای ما بسیار سخت و پرچالش بود اما همسرم با تمام قدرت و ایمان به جبهه رفت تا در قلب میدان جنگ از میهن و آرمان های انقلاب دفاع کند. در حالی که من در انتظار فرزند اولم بودم، دلم پر از نگرانی و اضطراب بود اما از سوی دیگر احساس مسئولیت شدیدی نسبت به وضعیت اطرافمان و آینده ای که در پیش بود، در قلبم می جوشید. در این دوران سخت، همدلی و همراهی همسرم نه تنها یک تعهد خانوادگی بود، بلکه یک پایبندی عمیق به انقلاب و آرمان هایی بود که برای آن ها فداکاری کرده بودیم. می دانستیم که باید در کنار یکدیگر و با تمام وجود برای پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کنیم، چه در میدان جنگ و چه در خانه.

دین و انقلاب اسلامی؛ احیای هویت اسلامی در جامعه

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، نه تنها تحولی عمیق در تاریخ سیاسی ایران ایجاد کرد، بلکه تأثیرات بنیادینی در حوزه دین و مذهب، به ویژه در جهان تشیع، بر جای گذاشت. این تأثیرات به قدری عمیق و گسترده بود که می توان آن را یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی دانست. انقلاب اسلامی نه تنها دین را احیا کرد، بلکه توانست در گستره ای وسیع تر، اصول و دستورات دین را از سطح فردی به سطح اجتماعی گسترش دهد. پیش از انقلاب، بسیاری از دینداران با دقت و تعهد به جنبه های فردی دین، همچون نماز، روزه، حج و برخی از دیگر عبادات پرداخته بودند، ولی دین در قالب اجتماعی آن به نوعی نادیده گرفته می شد. در این فضا، امام خمینی (رحمت الله علیه) با بصیرت و تدبیر خود، مفهومی جدید از دین را به مردم معرفی کردند که در آن دین نه تنها در حیطه فردی، بلکه به عنوان یک نیروی اجتماعی و سیاسی نیز ظهور پیدا می کرد. امام (س) با تبیین و اجرای این نگاه، دین را از قالب سنتی خود

خارج کرده و آن را به عنوان یک حرکت اجتماعی و انقلابی در برابر ظلم و فساد معرفی نمود. دین، به ویژه در قالب اسلام ناب، به عنوان هویت و اساس انقلاب اسلامی شناخته شد. انقلاب نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر نیز باعث بازگشت به هویت اسلامی و تقویت آن شد. شعارهای انقلاب نظیر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و اسلام ناب، برای مردم نه تنها یک پیام سیاسی بلکه فراخوانی به بازگشت به ارزش های دینی و هویتی بود که موجب شد مسلمانان در سراسر جهان به دین خود افتخار کنند و احساس عزت و اقتدار نمایند. این احساس افتخار به دین و به ویژه به اسلام ناب، موجب شد تابسایاری از ملت ها از سیاست های سکولار فاصله گرفته و به طور جدی به فکر احیای اصول اسلامی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی خود بیفتند.

انقلاب اسلامی، یک انقلاب فکری و فرهنگی

از دیگر تأثیرات برجسته انقلاب اسلامی در حوزه دین، ترویج تفکر اسلامی در زمینه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود. انقلاب اسلامی به معنای واقعی کلمه یک انقلاب فکری و فرهنگی بود که در آن، اسلام به عنوان یک تفکر جامع و منسجم در تمام عرصه های زندگی انسان مطرح شد. به ویژه در حوزه سیاست، انقلاب اسلامی بر دگرگونی های عمیقی در نگاه مردم به مسائل سیاسی و نظام حکومتی تأثیر گذاشت. جمهوری اسلامی ایران که بر اساس اصول اسلامی بنا شد، یک نمونه زنده از پیوند دین و سیاست است. در جمهوری اسلامی، دیانت و سیاست به هیچ عنوان از یکدیگر جدا نبوده و این دو به صورت کاملاً یکپارچه در هم تنیده اند. این امر نه تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی، نگاه ها را به طور کامل تغییر داد و باعث شد تا تفکر اسلامی در عرصه های سیاسی و حکومتی به یکی از مهم ترین جریان ها تبدیل شود. مهم ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر دین، احیای نقش زنان در اسلام بود. انقلاب اسلامی نه تنها به حقوق زنان توجه ویژه ای داشت، بلکه زنان را از ظلم و نابرابری های تاریخی که بر آن ها تحمیل شده بود، رهایی بخشید و جایگاه واقعی آنان را در جامعه اسلامی به تصویر کشید. امام خمینی (س) با تأکید بر اینکه زن، بسان قرآن انسان ساز است، نقش زنان را در تربیت نسل های آینده و اصلاح جامعه انقلابی بسیار حیاتی دانستند. انقلاب اسلامی در واقع نشان داد که زنان می توانند در تمامی عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی نقشی فعال و مؤثر ایفا کنند. زنان مسلمان ایران با حضور گسترده در راهپیمایی ها، فعالیت های اجتماعی و فرهنگی، به نمایش گذاشتند که انقلاب اسلامی نه تنها حقوق آنان را احیا کرده است، بلکه آن ها را به عنوان نیروهای پیشرو در جامعه اسلامی به میدان آورده است.

